

حاضر بوده و توضیح او مربوط به جلسه‌ی سوم خرداد است که او در جبهه بود و در جلسه حاضر نبود. او درباره‌ی جلسه‌ی سوم خرداد می‌گوید: «مسئولین می‌گفتند ما در آن جلسه نتوانستیم حریف امام شویم.» رضایی در ادامه توضیح می‌دهد که در جلسه‌ی دوم که او حضور داشت استدلال‌هایی از نظر وضعیت خوزستان، از نظر نظامی و بعد دفاعی با امام مطرح کردند و توضیح دادند که وضعیت فعلی مناطق جنگی برای دفاع مناسب نیست و از نظر نظامی ماندن در این وضعیت صحیح نیست. او می‌گوید: «اولین استدلال را که ما به این صورت مطرح کردیم، حضرت امام اصلاً هیچ سوالی نکردند، گویا منتظر این بودند که یک استدلالی و مطلبی در این رابطه مطرح شود؛ لذا فرمودند: خوب حالا که این‌طور است ادامه بدهید...» این‌جا متن مصاحبه در زمان انتشار سه‌نقطه قرار گرفته و در پاورقی توضیح داده شده که این سه نقطه به معنای حذف قسمتی از متن است و ما نمی‌دانیم چه حجمی از متن در این بخش مصاحبه حذف شده است. به نظر می‌رسد در این سه نقطه توضیحات مهم‌تری وجود دارد. نکته‌ی دیگر این‌که در زمان انتشار مصاحبه توضیحی جدید از محسن رضایی در داخل کروشه اضافه شده که گفته است در جلسه ابتدا هاشمی و ظهیرنژاد استدلال‌هایشان را مطرح کردند و سپس او استدلال‌هایش را گفته است.



⊕ امام خمینی به همراه فرزندش احمد و هاشمی رفسنجانی. هر سه نفر در محله‌ی چهاران در همسایگی هم زندگی می‌کردند.

چندین ساعته با محسن رضایی، فرمانده کل سپاه در آن سال‌ها انجام دادند. مصاحبه‌ای که ۲۵ سال بعد در کتابی با نام «بررسی عملیات والفجر ۸، محسن رضایی در گفتگو با رابیان جنگ تحمیلی-مرداد ۶۵» توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شد.

✕ روایت محسن

در مصاحبه‌ای که به آن اشاره شد، هادی نخعی از اعضای دفتر سیاسی سپاه، از محسن رضایی درباره‌ی نظر امام برای ورود به خاک عراق می‌پرسد و این‌که ابهامی مطرح شده که امام در آن مقطع تردید داشتند که وارد خاک عراق بشویم یا نشویم. محسن رضایی می‌گوید: «یک‌بار من از جبهه برگشته بودم، برادران گفتند که ما یک جلسه‌ای خدمت امام داشتیم و امام فرمودند: خوب حالا که ما رسیدیم به مرزها، دیگر چرا باید ادامه بدهیم؟» محسن رضایی در جلسه‌ی ششم خرداد در حضور امام

⊖ نظر محسن رضایی بر ورود به خاک عراق بود. او در جلسه‌ی ششم خرداد نظرش را برای امام توضیح داد.

ورود ما به خاک عراق موافق نیستند و تشکیل شورای انقلاب عراق در ایران را هم صلاح نمی‌دانند.» روز سوم خرداد خرمشهر آزاد شد و هاشمی نوشته است که اول شب؛ «خدمت امام رفتیم و راجع به آینده‌ی جنگ مشورت کردیم. ایشان خیلی خوشحالند.

با آقایان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مهمان احمد آقا بودیم و مصاحبه‌ی مشترک انجام دادیم. فتح خرمشهر همه را بانشاط کرده است.» از محتوای گفتگوی این روز با امام اطلاعات چندانی در دسترس نیست. در طول سال‌های بعد روایت‌هایی انجام شده اما اغلب روایت‌ها متأثر از انتقادهای و برای پاسخگویی به آن‌ها مطرح شده و از همین رو باید با وسواس بیشتری با آن‌ها رو به‌رو شد و منابع نزدیک‌تر به زمان واقعه می‌توانند مرجع بهتری باشند. سال ۱۳۶۵، چهار سال پس از ماجرا، تعدادی از رابویان دفتر سیاسی سپاه مصاحبه‌ای مفصل و



⊕ نوجوان ایرانی در جشن آزادی خرمشهر. با فتح خرمشهر احساس قدرت ملی در کوچه و خیابان‌های ایران جریان پیدا کرده بود.

